

گزارشی از دشت برچی کابل

زلاند

جمعه: 22 اسد 1389

قبل از ظهر روز جمعه 22 اسد در نواحی غرب کابل در دامنه کوه قروغ درگیری میان مردم محل (هزاره ها) و (کوچیها) صورت می گیرد، که در واقعیت امر این درگیری بین مردمان کوچی و هزاره یعنی مردم زجر دیده و آواره کوچیهای پشتون و مردمان زجر دیده هزاره (که همیشه نه تنها مورد ستم و بیداد شئونیزم طبقات حاکمه ملیت پشتون بلکه طبقات حاکم خودی نیز قرار داشتند.) نبود ؛ بلکه به گفته مردم خبره زمینه چینی این درگیری که منجر به ریختن خون مردمان ستمکش هزاره و کوچیهای آواره میشود، توسط غارت گران و غاصبین ملکیت های عامه: حاجی غلام نبی مالک شهرک (سبز) ، برادر کوچک محمد کریم خلیلی ، معاون دوم حامد کرزی ، رئیس جمهور رژیم مزدور و باند مسلح بنام کوچیها با سرکردگی ملا تیره خیل و امثال او که در روز روشن شهریان مظلوم و بیگناه کابل را به گلوله بستند ، صورت گرفته بود.

حاجی غلام نبی بعلاوه افراد وابسته به خودش عده مردم را نیز به بهانه اینکه قبرستان شان مورد تجاوز قرار دارد، با خود همراه میسازند و قبل از روشن شدن هوا برای عملی کردن و گسترش نقشه

شهرک(شهرک سبز) به خط اندازی می پردازند. جانب مقابل بنام کوچیها ، مدعیان ملکیت بر زمین (که ملکیت عامه میباشد) و تصرف آن با آمادگی قبلی نیز در محل منازعه موجود بودند .

این موقعیت غاصبانه هر دو جانب منجر به درگیری و کشته شدن افراد میشود. گرچه آمار دقیق کشته شده گان معلوم نیست ، اما به گفته شاهدان عینی تعداد کشته شدگان جانبین به شش نفر می رسيد. با آمدن اردو و پولیس و شلیک بسوي مردم، مردم خشمگین و بر افروخته می شوند و بعد از این عمل خائینانه و جنایتکارانه پولیس ، مردم دشت برچی به سرک ها می برآیند و دست به تظاهرات خشمگینانه



می زنند. در مسیر حرکت شان از قسمت پول خشك به طرف گوته سنگي تمامی پوسترهایی انتخاباتی کاندیدا های پارلمان رژیم مزدور را پاره و به آتش میکشند.

مردم در مسیر راه بر پوسته امنیتی و حوزه سیزدهم پولیس حمله می نمایند و با خشم و انزجار کامل آنرا ویران و به آتش می کشند. پولیس رژیم مزدور به صورت بیرحمانه و وحشیانه آتش گشودند و تعدادی از هموطنان ما را به خاک و خون کشیدند. سببیت و ددمنشی پولیس و اردوی جنایتکار موجب خشم و نفرت هرچه بیشتر مردم گردید و هر آنچه متعلق به رژیم مزدور و باندهای جنایتکار و خائنین بود، مورد حمله قرار دادند و به آتش کشیدند.



در قسمت پول سوخته نیروهای اردو و پولیس رژیم خواستند جلو خشم و پیشروی مردم را بگیرند. اما مردم همانند سیل توفنده هر مانع که در جلو پیشروی شان قرار گرفتند، با تمام قدرت آنرا از بین برده و پوسته امنیتی پولیس را به آتش کشیدند و به طرف گوته سنگي پیشروی نمودند. نبرد جدي و نابرابر میان مردم که با چوب ، میله های آهنی و سنگ و اردو و پلیس دولت مزدور که با وسایط زره پوش، تانک و سلاح خودکار مسلح بودند در گرفت. مردم و بطور اخص نیروی جوان در چوك گوته سنگي با جرات و شهامت وصف ناپذیر که از هر سوء توسط اردو و پولیس مورد هدف قرار گرفته بود بر پوسته امنیتی پولیس حمله نمودند و تصاویر و عکس های کاندیداها را به آتش کشیدند و سوپر مارکیت ها را سنگ باران نمودند.



شاید رژیم مزدور و خائنین وابسته به آن ، این عمل مردم که با اشکال گوناگون مورد ستم و بیداد قرار دارند را بمثابه یک عمل مخرب و زیان آور، مردود و محکوم نماید، که باید چنین کند . اما به یقین و بدون شك این عمل توده های محروم، يك عمل یاغیگری بی مانند طبقات محروم و بی چیز که خشم و انزجار طبقاتی شان را به نمایش گذاشت، بود. این شورش و بغاوت مردم بود، که از دست

ستم امپریالیستی، ملیتی و طبقاتی به ستوه آمده اند. خشم سالها حقارت ملیتی، اسارت استعماری، ستم طبقاتی، بیکاری، فقر و گرسنگی که منجر به یاغیگری می شود، در 22 اسد خود را به نمایش گذاشت.

در مقابل این بی باکی و قهرمائی مردم نترس و یاغی، نیروهای اردو و پولیس مزدور به وحشت افتادند و به امر مزدوران بلند رتبه شان به طرف آنها شلیک نمودند. کشتار مردم بی گناه و جوانان در چوک گوته سنگی بعد از ظهر جمعه 22 اسد به طور یقین یکی از کشتارهای سبعانه و وحشیانه رژیم بود. چهره کریه و استبدادی رژیم مزدور يك بار دیگر به طور بسیار جدي آشکار گردید. تمام ادعای های دموکراتیک مآبانه امپریالیستهای تجاوزگر و رژیم مزور دود هوا شد و دست های آدم کش رژیم بطور بی پرده از آستین بیرون شد. کشتار مردم بیگناه و جوانان بدست عمال جنایتکار رژیم ماهیت رژیم را برملاء ساخت و نشان داد که این رژیم يك رژیم پوشالی مستبد است که دارای خصلت غلیظ شئونیستی میباشد.

اما تظاهرات و بغاوت مردم و جوانان ملیت هزاره برخلاف تصور عموم که این مردم آرام، مطیع و خوش باور میدانستند، نشان داد که این مردم فوق العاده مردم سرشار دلیر و شورشگر هستند و از همه مهمتر اینکه با پایین کشیدن عکس محقق و دار و دسته اش و همچنان خلیلی و عمال اش نشان دادند که ملیت هزاره ماهیت این رهبران قلابی و کاذب را دریافته و جنایات این جنایتکاران را خوب درك نموده است.

حادثه امروز و قهرمائی این مردم ستمدیده تمامی آرزوها و خواب و خیال های واهی این رهبران نا رهبر و دروغین را نقش بر آب ساخت.

گر چه کشتار مردم و جوانان در جریان این واقعه به دست عمال رژیم فوق العاده و حشتناک و درد آور بود، اما این قربانی مردم هرگز به هدر نخواهد رفت بلکه سبب هرچه بیشتر بالا رفتن اعتماد، همبستگی و وحدت میان مردم و بی باوری به کسانی که مردم سالها به آنها به چشم رهبر و حامی خود می دیدند خواهد شد. این يك واقعیت است که مردم بیداری و رهائی را در صحنه مبارزه و میدان عمل به دست می آورند، نه در هیچ جای دیگر!

مرگ بر رژیم مزدور!

مرگ بر اشغالگران

کوتا باد دست جنایتکارانه رژیم از کشتار مردم بی گناه!

زنده باد خلق قهرمان ما